

## گزارش ویژه شماره ۴۱

### توافقنامه صلح آمریکا-طالبان؛ خیلی نزدیک خیلی دور



## بسمه تعالی

### موسسه آینده پژوهی جهان اسلام

#### گزارش ویژه شماره ۴۱

#### توافقنامه صلح آمریکا-طالبان؛ خیلی نزدیک خیلی دور

##### مقدمه

روز شنبه مصادف با ۱۰ اسفند ۱۳۹۸ جهان شاهد یکی از عجیب‌ترین و در عین حال تاریخی‌ترین توافقنامه‌های صلح بین یک بازیگر غیردولتی بنام طالبان و بازیگر دولتی یعنی ایالات متحده آمریکا بود. مقدمات این توافقنامه که از ۱۸ ماه قبل آغاز شده بود سرانجام با امضای زلمی خلیلزاد، نماینده ویژه آمریکا برای صلح افغانستان و ملا عبدالغنی برادر، معاون سیاسی گروه طالبان به سرانجام رسید. توافقنامه روی چهار بخش عمده متمرکز است؛ ضمانت گروه طالبان در عدم استفاده خاک افغانستان علیه امنیت آمریکا و متحدان آن، ارائه جدول زمانی خروج کامل نیروهای آمریکایی و ناتو ظرف ۱۴ ماه آینده، برگزاری مذاکرات بین‌الافغانی در دهم مارس و بحث روی یک آتش‌بس همه‌جانبه در جریان مذاکرات بین‌الافغانی. بر اساس مفاد این توافقنامه آمریکا متعهد شده که ظرف ۱۳۵ روز نیروهای خود را به ۸۶۰۰ نفر کاهش دهد و بقیه نیروهای خود را ظرف ۹,۵ ماه آینده از افغانستان خارج کند. همچنین آزادی ۵ هزار زندانی طالبان از زندان‌های دولت افغانستان و یک هزار تن از کسانی که در دست طالبان اسیرند تا ده روز پس از توافق در این توافقنامه ذکر شده است. آمریکا همچنین تعهد کرده است با آغاز مذاکرات بین‌الافغانی عملاً تحریم‌ها علیه اعضای گروه طالبان را بررسی کند و تا ۲۷ آگوست ۲۰۲۰ تحریم‌ها علیه اعضای این گروه برداشته شود. جزئیات قطع روابط طالبان با گروه‌های تروریستی و تلاش آمریکا برای به تایید رساندن این توافقنامه در شورای امنیت سازمان ملل از دیگر مفاد این توافق نامه هستند.

## واکنش بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی

واکنش‌ها به این توافق‌نامه در نوع خود جالب توجه بود. دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده در سخنرانی تلویزیونی، از این توافق‌نامه استقبال کرده و اظهار داشت که وی شخصاً با رهبران طالبان "در آینده نه چندان دور" دیدار خواهد کرد. وی همچنین عنوان داشت که همسایگان افغانستان نیز باید به حفظ ثباتی که بعد از این توافق‌نامه حاصل می‌شود کمک کنند. هییت الله آخوندزاده رهبر طالبان پس از امضای توافق‌نامه صلح میان آمریکا و این گروه در دوحه قطر اعلام کرد؛ این پیروزی به مثابه پیروزی جمعی است که به ملت مجاهد و تمامی مسلمانان تعلق دارد. ملا عبدالغنی برادر، معاون سیاسی و نماینده طالبان در مذاکرت نیز با استقبال از این توافق‌نامه اعلام کرد من از همه افغان‌ها می‌خواهم که صادقانه برای صلح تلاش کنند و در کنار میز مذاکره صلح جمع شوند. وی افزود که امیدوارم خروج همه نیروهای خارجی از افغانستان این امکان را برای همه افغان‌ها فراهم کند که تحت لوای قوانین اسلامی زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند.

دبیرکل سازمان ملل متحد، آنتونیو گوترش، ضمن تأکید بر اهمیت تداوم کاهش خشونت در سراسر افغانستان، این توافق را پیشرفت مهمی در دستیابی به یک توافق سیاسی پایدار در افغانستان خواند. شیخ محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، وزیر امور خارجه قطر، گفت ما امیدواریم که این توافق‌نامه تاریخی به دستیابی به صلح، ثبات و رونق در منطقه و جهان کمک کند. وزارت خارجه عربستان سعودی نیز در بیانیه‌ای، اظهار امیدواری کرد که این توافق منجر به آتش بس کامل و دائمی و صلح سراسری در افغانستان شود. اعضای ناتو نیز بیان داشتند که پیشرفت‌های اخیر در زمینه صلح خشونت را کاهش داده و راه را برای مذاکرات بین گروه‌های داخلی افغانستان هموار کرده است. ما از طالبان می‌خواهیم که از این فرصت به دست آمده نهایت استفاده را ببرد. برای کمک به حصول چنین امری ناتو حضوری نظامی خود را کاهش می‌دهد. دبیرکل ناتو نیز این توافق‌نامه را اولین گام برای صلح پایدار خواند. عمران خان نخست‌وزیر پاکستان نیز با استقبال از امضای این توافق‌نامه گفت: "این آغاز "روند آشتی" است." ما از توافق‌نامه دوحه که بین ایالات متحده و طالبان منعقد شده است استقبال می‌کنیم. این شروع یک روند صلح و آشتی برای پایان دادن به چندین دهه جنگ و رنج مردم افغانستان و تنها راه معنی‌دار برای صلح است.

علیرغم اینگونه اظهار نظرها ایران توافق حاصل شده بین آمریکا و طالبان را غیر قانونی دانست. پس از امضای این توافق‌نامه وزارت خارجه ایران در بیانیه‌ای اعلام داشت که جمهوری اسلامی ایران معتقد است توافق صلح پایدار در افغانستان تنها از طریق گفتگوی بین‌الافغانی با مشارکت گروه‌های سیاسی آن کشور به دست خواهد آمد. ایران از هر تحولی که به صلح و ثبات در افغانستان کمک نماید استقبال بعمل آورده و از تلاش‌هایی که در این راستا تحت رهبری و مالکیت افغانها انجام پذیرد حمایت می‌نماید، با این حال این اقدام آمریکا را، تلاشی برای مشروعیت بخشیدن به حضور نیروهای درافغانستان می‌داند و با آنها مخالف است. آمریکا جایگاه حقوقی برای امضای قرارداد صلح یا تعیین تکلیف در مورد آینده افغانستان ندارد. معتقدیم سازمان ملل متحد از ظرفیت‌های مناسبی برای تسهیل مذاکرات بین‌الافغانی و نیز نظارت و تضمین اجرای توافقات حاصله برخوردار است. محمد جواد ظریف، وزیر خارجه ایران نیز در پیامی توثیتری

عنوان کرد که اشغالگران آمریکایی اصلا نباید به افغانستان حمله می‌کردند. ولی این کار را کردند و تبعات آن را به گردن دیگران انداختند. اکنون و پس از ۱۹ سال تحقیر، آمریکا شکست خودش را بزرگ می‌کند. خواه در افغانستان، سوریه، عراق و یا یمن مشکل، ایالات متحده است. ایالات متحده، منطقه را ترک خواهد کرد در حالی که آشفتگی‌های عظیمی را از خود به یادگار خواهد گذاشت.

## دلایل مخالفت ایران با توافقنامه

جدای از تاثیرات این توافقنامه بر تحولات سیاسی داخلی افغانستان و همچنین ترتیبات منطقه‌ای یکی از دلایل نارضایتی ایران از این توافقنامه را می‌توان اعتقاد ایران به نامشروع بودن حضور آمریکا در منطقه و عدم تامین منافع مردم افغانستان از طریق این توافق نامه دانست. چند ماه قبل از این توافق و زمانی که ایالات متحده در حال مذاکره با طالبان بود ایران نیز میزبان سران طالبان در تهران شد. در این دیدار بسیاری از سران ارشد طالبان از جمله ملا عبدالغنی برادر حضور داشتند و با مقامات ایرانی از جمله محمدجواد ظریف به بحث درمورد آخرین تحولات منطقه و افغانستان پرداختند. یکی از مسائل مهمی که در این دیدار مطرح گردید این بود که آینده سیاسی افغانستان از طریق همکاری مردم افغانستان و گروه‌های مختلف سیاسی رقم خواهد خورد و ایران نیز از چنین روندهایی حمایت می‌کند. این نشست حتی با انتفادهایی از سوی محافل سیاسی افغانستان روبرو شد. به عنوان مثال شاه حسین مرتضوی، یکی از سخنگویان دولت افغانستان در صفحه رسمی خود در فیسبوک به انتقاد از میزبانی ایران پرداخت. هم‌زمان ادريس زمان، معاون وزیر خارجه افغانستان هم به انتقاد از ایران پرداخت. وی عقیده داشت که روابط خارج از چهارچوب دولت‌ها باعث تضعیف روابط دو طرف می‌شود. پیشتر صبغت احمدی سخنگوی وزارت خارجه افغانستان هم در واکنش به گفت‌وگو میان دولت ایران و گروه طالبان گفته بود که تلاش برای برقراری صلح در افغانستان باید از طریق دولت این کشور باشد.

در واکنش به این اظهارات وزارت امور خارجه ایران نیز اعلام داشت که ما شاهد برخی گفته‌ها و شنیدن چند صدای متفاوت در افغانستان نسبت به ایران بودیم. مذاکرات ما با طالبان با اطلاع دولت افغانستان بوده است، ایران علاقه مند به صلح و ثبات و امنیت در افغانستان است و بارها در گفتگو با مقامات افغان آنها را در جریان مواضع خود قرار دادیم؛ در مسیر و مذاکرات افغانی - افغانی حتما محوریت و اساس کار دولت قانونی افغانستان است و هیچ‌کاری را بدون محوریت دولت افغانستان نمی‌پذیرد. از اظهارنظرهایی که در افغانستان درباره مذاکره با طالبان صورت گرفت، تعجب می‌کنم. برای ما قابل درک نیست که این اظهارات با هماهنگی دولت افغانستان صورت گرفته یا نظرات شخصی آنها بوده است. ایران تنها نبوده که با طالبان مذاکره کرده و کسی به آنها اعتراض نکرد. جالب اینجاست که همین مقامات داخلی بعد از شروع فرایند مذاکرات ایالات متحده آمریکا با طالبان هیچ گونه انتقادی از آن به عمل نیاوردند.

درواقع به لحاظ تاریخی، روابط ایران و طالبان خیلی خوب نبوده است و به لحاظ ایدئولوژیکی تفاوت‌های اساسی دارند. ایران کشوری شیعی است در حالی که طالبان یک گروه سنی مذهب افراطی می‌باشد. حتی در سال ۱۹۹۸، به علت کشته شدن هشت دیپلمات ایرانی در شهر مزارشریف در شمال افغانستان بین دو طرف اعلام جنگ شد. علاوه بر این

طالبان در زمان حکومت خود در افغانستان، از گروه تروریستی جندالله که تحت حمایت عربستات بود حمایت می‌کرد. در مقابل، در زمان حکومت طالبان، ایران نیز از گروه ائتلاف شمال ضد طالبان پشتیبانی به عمل می‌آورد. حتی در سال ۲۰۰۱ زمانی که ایالات متحده آمریکا به افغانستان حمله کرده و موجب سقوط دولت طالبان در این کشور شد ایران برخی همکاری‌های را با این کشور داشت. ایران همچنین نقش اساسی را در تشکیل دولت پس از طالبان یعنی حامد کرزای داشت. با این حال پس از سال ۲۰۱۵ روابط ایران با طالبان بعد از ظهور دولت اسلامی خراسان (IS-K) به عنوان وابسته رسمی داعش در افغانستان و خروج دولت ترامپ از توافق نامه هسته‌ای با ایران رویه جدیدی را تجربه کرد و آن هم این بود که ایران به لحاظ تکنیکی برخی تغییرات را در رویکرد خود به طالبان به عمل آورد و متمایل به ایجاد ارتباط مدیریت شده با طالبان شد.

سفر علی شمخانی، دبیرشورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به کابل و دیدار با حمدالله محب، مشاور شورای امنیت ملی افغانستان و اعلام تمایل ایران برای مذاکره با طالبان در آینده نیزه بر همین اساس بود. بنابراین بسیاری از مقامات دولتی افغانستان از تمایل ایران برای مذاکره با طالبان آگاه بودند و این موضوع با هماهنگی دولت افغانستان صورت گرفته بود. اهم ملاحظاتی را که ایران در مورد مذاکره با طالبان داشت را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد؛ ۱. ایران معتقد است که در موضوعات مهم منطقه‌ای ایران را به عنوان یکی از بازیگران اصلی نمی‌توان حذف کرد و تلاش‌ها برای حذف تهران از معادلات منطقه‌ای نتایج موفقیت آمیزی را به دنبال نخواهد آورد؛ ۲. ایران عقیده داشت که ایالات متحده آمریکا رویکرد واضح و آشکاری در مورد مذاکره با طالبان ندارد و تلاش دارد از مذاکرات صلح به عنوان ابزاری بر علیه دیگر کشورها استفاده کند؛ ۳. ایالات متحده در حالی از دولت افغانستان می‌خواهد در مذاکرات صلح شرکت کند که در پیش‌نویس خود از امارت اسلامی استفاده کرده است و این به معنای مشروعیت دادن به طالبان و نقض قوانین افغانستان است؛ ۴. ایران بر خلاف کشورهای دیگر از مذاکرات گروه‌های داخلی افغانستان حمایت می‌کند و از طالبان نیز می‌خواهد به این مذاکرات محلق شود. به همین دلیل است که مذاکرات ایران با طالبان همواره همراه با آگاهی و اجازه دولت افغانستان و رهبران کابل بوده است؛ ۵. ایران انتقال داعش از سوریه و عراق به افغانستان را سیاست ایالات متحده برای خدمت به منافع خود می‌داند و اتحاد داعش و طالبان را در خدمت منافع افغانستان نمی‌داند بلکه آن را به عنوان عاملی ناامنی در منطقه تلقی می‌کند. ایران حضور داعش در اطراف آن را تحمل نخواهد کرد و ترجیح می‌دهد از ورود داعش در افغانستان بدون رویکرد نظامی و از طریق مذاکره با طالبان و دولتمردان جلوگیری کند.

الگویی هم که ایران برای مذاکرات صلح پیشنهاد می‌داد چندجانبه و با حضور نمایندگان مردم و دولت افغانستان بود. سید رسول موسوی مدیر کل آسیای غربی وزرات خارجه رویکرد ایران به مذاکرات صلح افغانستان را این گونه تفسیر می‌کند؛ موضع ایران عدم شرکت در نشستی است که نمایندگان مردم و دولت‌های افغانستان در آن شرکت نکنند. معنای این مساله در برخی از جاها به معنای عدم شرکت ایران در پروسه صلح تفسیر شده که اشتباه است. به عنوان مثال در نشست چهارجانبه‌ای که با مشارکت روسیه، پاکستان، آمریکا و چین در آبان ماه شکل گرفت روسیه در پایان اجلاس اعلام داشت که ایران نیز باید به این هیئت اضافه شود. قبل از این نشست هم نشستی در پکن برگزار شد. روس‌ها آن موقع به ایران اعلام کرده بودند که تهران هم در آن شرکت کند ولی ایران گفته بود که شرکت نمی‌کند. حتی

روس‌ها فکر می‌کردند که ایران در لحظه آخر شرکت می‌کند اما این گونه نشد و ایران شرکت نکرد.

### چشم انداز توافقنامه برای صلح در افغانستان

به هر روی توافقنامه بین ایالات متحده آمریکا و طالبان امضا شده است ولی با این وجود چشم‌انداز آن برای آینده افغانستان نامشخص است و دلایل آن هم ناشی از ماهیت و ضعف مفادی است که در زمینه توافق حاصل شده است. برای مثال به عنوان یکی از مهمترین چالش‌های این توافقنامه اشاره آن به مذاکرات بین گروه‌های سیاسی داخل افغانستان برای آتش بس دائمی است که این موضوع معادلات سیاسی را پیچیده می‌کند. طالبان به لحاظ نظامی خود را برتر از دولت اشرف غنی تصور می‌کند و برای آتش بس دائمی طبعاً امتیازات سیاسی زیادی را می‌خواهد. در واقع مسئله این است که طالبان در افغانستان به دنبال قدرت‌گیری در ساختار سیاسی افغانستان است، چیزی که دولت افغانستان و سایر گروه‌های سیاسی تمایل چندانی به آن ندارند. به ویژه این که در این توافق جایگاهی برای دولت مرکزی کنونی افغانستان تعریف نشده است و طالبان اساساً حاضر نبود بپذیرد که با این دولت مذاکره کنند.

مشکل دیگری که وجود دارد این است که پس از برگزاری انتخابات که در آستانه توافق صلح آمریکا و طالبان صورت گرفت اشرف غنی خود را رئیس جمهور افغانستان اعلام کرد و کمیسیون انتخابات نیز همین مسئله را پذیرفت اما همزمان عبدالله عبدالله نیز خود را پیروز انتخابات می‌داند، لذا دو حاکمیت در افغانستان وجود دارد، از یک طرف عبدالله عبدالله معتقد است که باید دولت موازی تشکیل دهد و از طرف دیگر اشرف غنی مدعی برنده شدن در انتخابات است. چند روز قبل نیز در یک اقدام بی سابقه هریک از طرفین اختلاف مراسم تحلیف جداگانه برگزار کردند. در این بین اشرف غنی مدعی است که در صورت برگزاری مذاکرات بین‌الافغانی وی صلاحیت حضور در این مذاکرات را دارد اما طالبان به طور کلی این دولت را به رسمیت نمی‌شناسد و آن را دست نشانده می‌داند. بنابراین مشکلی که وجود دارد این است که حتی اگر طالبان بپذیرد که با دولت کابل مذاکره کند معلوم نیست طرف مذاکره کننده عبدالله عبدالله است یا دولت اشرفی غنی. این توافق نامه از طالبان می‌خواهد تا در مذاکرات داخلی افغانستان با دیگر افغان‌ها بر سر یک میز بنشینند و در آنجا در مورد روشها و زمان آتش بس کامل و دائمی بحث کنند با این وجود بی‌اعتمادی و چندین دهه جنگ بین گروه‌های سیاسی افغانی وجود دارد بنابراین حصول چنین امری دشوار است.

در واقع اختلاف بین غنی و عبدالله تلاش دولت افغانستان برای ایجاد یک تیم مذاکره کننده معتبر و مردمی را پیچیده کرده است. با این وجود حتی اگر دولت افغانستان و طالبان دور یک میز بنشینند و به طور جدی شروع به مذاکره کنند، به هیچ وجه اطمینان ندارند که قبل از عقب نشینی سربازان آمریکایی بتوانند اختلافات خود را برطرف کنند. از این گذشته، ایالات متحده و طالبان برای رسیدن به این توافق اولیه ده سال انتظار کشیدند و تنها با کنار گذاشتن بسیاری از مسائل اساسی بود که توانستند این کار را انجام دهند. بنابراین در شرایط فعلی مسئله این است که چگونه طالبان و دولت افغانستان، یا به عبارتی امارت اسلامی افغانستان و جمهوری اسلامی افغانستان می‌توانند برای اداره مشترک افغانستان برپا شوند؟ و چگونه می‌توان دو نیروی مسلح آنها را در ارتش و نیروی ملی جدید ترکیب کرد؟ ادغام طالبان و

دولت افغانستان در یک نهاد حاکم واحد و یکپارچه، نبوغ و انعطاف پذیری بیشتری را نسبت آن چیزی که هر دو طرف تا به امروز به نمایش گذاشته اند می طلبد. علاوه بر این ادغام دو نیروی مسلح به منابع قابل توجه و توانایی سازمانی بالا نیز نیاز دارد که افغانستان فاقد آن است. همچنین یکی از شرایط دستیابی به توافق کامل در زمینه آتش بس برچیده شدن نیروی نظامی طالبان با هدف خنثی‌سازی یا ادغام اعضای آن در نیروهای امنیتی افغانستان است، چیزی که طالبان به هیچ وجه آن را نمی‌پذیرد.

یکی دیگر از موضوعاتی که همچنین بر فرایند مذاکرات بین‌افغانی تاثیرگذار است آزادی زندانیان است و طالبان نیز آن را شرط مذاکره با گروه‌های سیاسی افغانستان اعلام کرده است. براساس این توافقنامه، قرار است ۵۰۰۰ نفر از اعضای طالبان از زندان‌های تحت کنترل دولت افغانستان آزاد شوند، اما مشخص نیست که دولت افغانستان این کار را انجام دهد یا خیر، مقامات کابل زندانیان را به عنوان اهرم اصلی فشار می‌دانند که در طی مذاکرات با طالبان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. موضوعی که اشرف غنی بعد از امضای توافق نامه به آن اشاره کرد. وی در این مورد به خبرنگاران اعلام کرد که آزاد کردن زندانیان طالبان تحت اختیار آمریکا نیست، بلکه از جمله اختیارات دولت افغانستان است، علاوه بر این در طی مذاکرات با طالبان مبادله زندانیان می‌تواند مورد بحث قرار گیرد، اما نمی‌تواند یک پیش شرط باشد. وی همچنین در مصاحبه با سی‌ان‌ان عنوان داشت بود که ترامپ از او نخواست است که زندانیان طالبان را آزاد کند. این توافق نامه همچنین تصریح می‌کند زندانیانی که آزاد می‌شوند باید متعهد شوند که بار دیگر به میدان نبرد بازنگردند و از توافقنامه حمایت کنند. گذاشتن چنین بندی در مفاد موافقتنامه با توجه به ماهیت اعضای گروه طالبان هیچ گونه ضمانت اجرایی ندارد. تحقق این امر نیازمند فرایندی بنام خلع سلاح و ادغام مجدد مبارزان افغانی در جامعه افغانی است. خلع سلاح یک از مفاد دشوار هرگونه توافق صلح است و عمدتاً به دلیل بی‌اعتمادی طرفین و ترس از بی‌دفاع ماندن در مقابل دشمن محقق نمی‌شود. در حالت ایده‌آل باید شخص سومی باشد که امنیت هر دو طرف را تضمین کند. بنابراین چون چنین شخص ثالثی در افغانستان وجود ندارد و ایالات متحده آمریکا نیز تمایل خود را برای خروج از افغانستان اعلام کرده است تحقق این امر دشوار است.

موضوع سومی هم که در این توافقنامه حائز اهمیت است تعهد طالبان به متوقف کردن اقدامات علیه امنیت ایالات متحده آمریکا و سایر بازیگران دخیل در تحولات سیاسی افغانستان است. با این حال به نظر می‌رسد امیدواری بر حصول چنین امری زود است. طالبان یکپارچه نیست و به ویژه اینکه برخی از عناصر آن علاقه چندانی به مذاکرات نشان ندادند. به عنوان مثال قبل از این توافق در ماه سپتامبر طرفین اعلامیه‌ای مبنی بر زمینه سازی برای توافق صلح اعلام کرده بودند اما حمله عناصر طالبان به نیروهای آمریکایی و کشته شدن دو نفر از آنها این روند را مختل کرد. خود آمریکایی‌ها نیز اعتماد چندانی به تعهد طالبان ندارند. به عنوان مثال ترامپ همزمان با امضای توافق در دوحه، در واشنگتن تهدید کرد که اگر اتفاقات بدی بیفتد ما باز خواهیم گشت. حضور همزمان وزیر دفاع و فرمانده ناتو در کابل و تاکید بر بازگشت آمریکا در صورت نقض قوانین در همین راستا قابل توجه است. از سوی دیگر طالبان خواهان خروج کامل نیروهای خارجی از جمله ایالات متحده آمریکا است. به عنوان مثال سهیل شاهین سخنگوی دفتر سیاسی طالبان در هنگام امضای توافق نامه در دوحه، توییت کرد که طالبان انتظار عقب نشینی کامل را دارد. وی در توییتهای به زبان

پشتو گفت: "براساس توافق با ایالات متحده، همه نیروهای بین‌المللی افغانستان را ترک خواهند کرد و حمله به پایان می‌رسد و هیچ کس مجاز نخواهد بود که از خاک افغانستان علیه دیگران استفاده کند.

نکته قابل توجه این است که عدم تعهد طالبان به متوقف کردن حملات خود به مواضع آمریکا و متحدان آن خیلی زود مشخص شد چرا که چند روز بعد از توافق‌نامه طالبان حملات خود را علیه نیروهای امنیتی افغانستان افزایش داد. در مرگ‌بارترین حمله طالبان دست کم ۱۵ سرباز افغان را کشته شدند. جالب اینجاست که این حملات تنها ساعاتی پس از تماس تلفنی بین ترامپ و ملا عبدالغنی روی داد. در ۱۳ مارس، یک روز قبل از آغاز آزادی زندانیان طالبان، وزارت دفاع افغانستان اعلام کرد که طالبان طی ۲۴ ساعت گذشته ۹۵ بار به نیروهای امنیتی افغانستان حمله کرده است. ایالات متحده نیز در پاسخ به این اقدام طالبان حملات هوایی علیه طالبان را در دستور کار خود قرار داد. سونی لگت سخنگوی علمیات‌های ایالات متحده آمریکا در افغانستان در باره این اقدام اظهار داشت که ایالات متحده در ۴ مارس حمله هوایی را علیه جنگجویان طالبان در نهرسراج و هلمند انجام داد که به طور جدی به پاسگاه نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان حمله می‌کردند. این یک حمله دفاعی برای مختل کردن حملات بود. این نخستین حمله ما علیه طالبان در طی ۱۱ روز بود. و در نهایت مفاد دیگری که در این توافق‌نامه وجود دارد و تحقق آن دشوار به نظر می‌رسد تلاش آمریکا برای به تصویب رساندن این توافق‌نامه در داخل ساختارهای قانونی آمریکا است. دلیل آن هم این است که در ساختار سیاسی ایالات متحده آمریکا دیدگاه یکدست و یکپارچه‌ای در مورد توافق دولت ترامپ با طالبان وجود ندارد. به نظر می‌رسد مذاکره با طالبان ابزاری است که صرفاً دولت ترامپ به دنبال بهره‌برداری از آن است و سایر ساختار و ارکان قدرت در آمریکا موافق این توافق‌نامه حداقل به این شکل نیستند. شواهد حاکی از آن است که این توافق‌نامه برای اجرایش امضا نشده است و صرفاً امضا شده که هرکدام از طرفین امتیازاتی از آن بگیرند. طالبان مشروعیت به دست آورده و برخی از تحریم‌های بین‌المللی علیه سران طالبان را از میان بردارد و دولت ترامپ نیز از آن برای انتخابات آتی بهره‌برداری کند.

### چالش‌های توافق‌نامه برای امنیت افغانستان و منطقه

چالش‌ها آتی این توافق‌نامه برای افغانستان و منطقه نیز قابل توجه است. اولین مورد این است که طالبان همچنان اصرار دارد که خود را امارت اسلامی افغانستان بنامد و این اصرار ظاهراً به اندازه‌ای بوده است که آمریکا نیز در توافق با این گروه مجبور به کاربرد این عبارت شده است. گرچه بلافاصله تأکید کرده است که این عبارت به معنای شناسایی طالبان به عنوان دولت نیست. این در حالی است که طالبان از طریق این عبارت تلاش دارد خود را به عنوان دولت معرفی کند. در واقع به دنبال تصرف کابل در سپتامبر ۱۹۹۶، طالبان یک سیستم حکومتی دو طرفه را تشکیل داد، یک شورای رهبری سیاسی - نظامی به نام شورای عالی در قندهار و یک دفتر اجرایی به نام شورای وزیران در کابل. شورای عالی، طالبان را به عنوان یک گروه شورشی نمایندگی می‌کرد، در حالی که شورای وزیران تلاش‌های این گروه را برای تبدیل شدن به یک ساختار دولتی را نشان می‌داد. این ساختار تا سال ۲۰۰۱ و تا قبل از حمله ایالات متحده آمریکا به افغانستان وجود داشت و از زمان تاکنون تلاش طالبان این بوده است که این ساختار را احیا کند. به نظر می‌رسد اصرار بر چنین عبارتی در توافق‌نامه نیز حاکی از این امر باشد. به ویژه اینکه اگر در آینده انتخاباتی برگزار شود و با توجه به

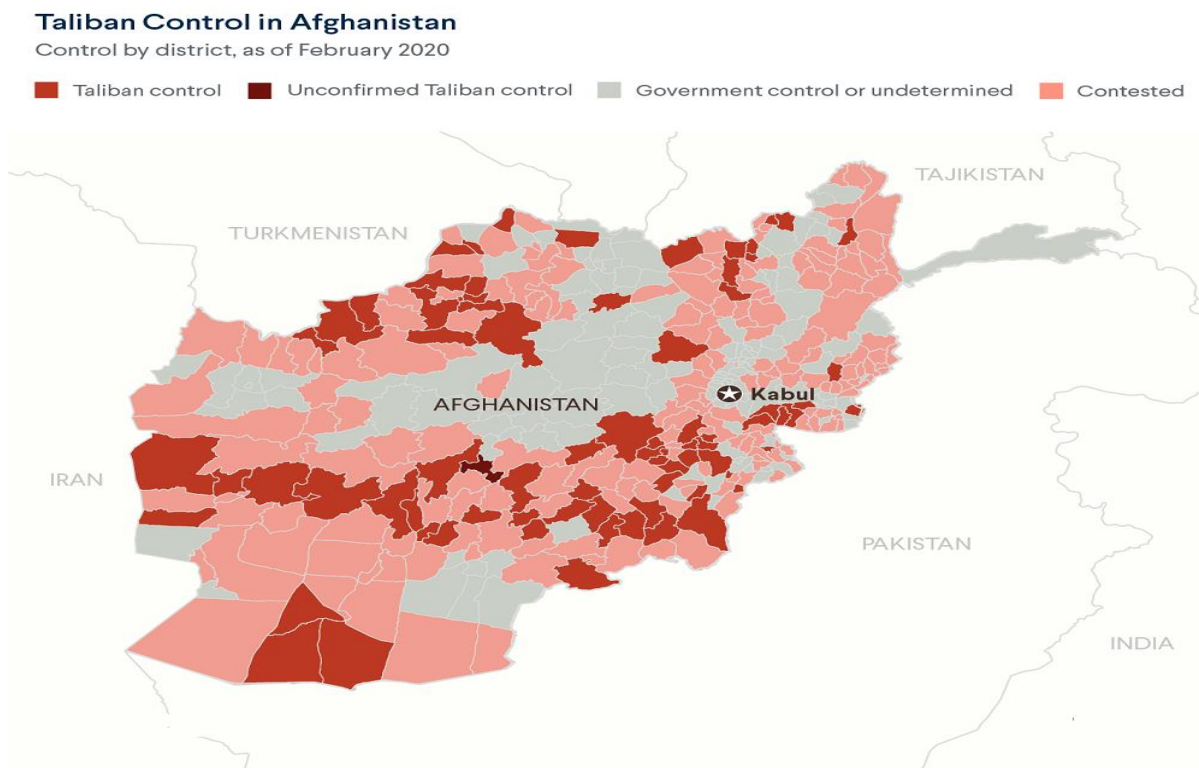


شرایط، انسجام نسبی طالبان و چند دستگی در جبهه مقابل، احتمال می‌رود که طالبان از طریق سیاسی بتواند قدرت را به دست گیرد. لذا می‌توان گفت که طالبان اکنون خیز برداشته تا در مرحله نخست در قدرت (البته نه با دولت کنونی بلکه با دولت موقت) شریک شوند و درگام نهایی در انتخابات حضور پیدا کرده و با پیروزی در انتخابات قدرت را به طور کامل به دست گیرند. در نتیجه زمینه برای احیای امارت اسلامی فراهم می‌شود. هر چند که ممکن است مانند گذشته عمل نکنند.

ثانیا ایالات متحده بدون مشارکت دولت افغانستان با طالبان در مورد خروج نظامی صحبت کرده است و این نگرانی‌ها در مورد احتمال آغاز جنگ داخلی را افزایش می‌دهد. در پی عقب نشینی ایالات متحده و حتی قبل از آن که طالبان بتواند کابل را تهدید کند، احتمال زیادی وجود دارد که درگیری بین عناصر غیر طالبانی برای کنترل پایتخت ایجاد شود. در بین سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶، در آنچه که به نبرد کابل معروف شد، این شهر بارها توسط چندین نیرو مسلح داخلی و با حمایت نیروهای خارجی محاصره، بمباران و مورد حمله قرار گرفت. بخش عمده‌ای از شهر در اثر آتش سوزی، موشک و بمب ویران شد. تنها در یک ماه، ۲،۰۰۰ نفر کشته شدند. در سال ۲۰۱۴، نیز یک اختلاف انتخاباتی منجر به وقوع یک کودتا شد و که در آن دو مدعی رقیب به برای دست‌دستی یابی به پست ریاست جمهوری تلاش می‌کردند. یک طرف تاجیکی‌ها بودند و طرف دیگر پشتون‌ها و هر دو به عناصر ارتش و پلیس دسترسی داشتند. تنها پس از مداخله شخصی رئیس‌جمهور آمریکا و وزیر امور خارجه، از یک رویداد خشونت آمیز اجتناب شد و در آن زمان بیش از ۳۰،۰۰۰ سرباز آمریکایی در این کشور حضور داشتند. بنابراین در شرایط کنونی نیز بدون در نظر گرفتن مکانیسم‌های ملی و منطقه‌ای خاصی برای تضمین ثبات و امنیت در افغانستان برای دوران بعد از خروج آمریکا هرگونه عقب نشینی می‌تواند تبعات داخلی جبران ناپذیری داشته باشد.

در حال حاضر طالبان بسیاری از مناطق افغانستان را تحت کنترل دارد. علاوه بر این آنها میلیون‌ها دلار از طریق کشت خشکاش و تجارت غیرقانونی مواد مخدر به دست می‌آورند که ممکن است مشکلات بیشتری را برای روند صلح ایجاد کند. این در حالی است که عمده توجه دولت ترامپ بر تحقق یکی از قول‌های انتخاباتی خود یعنی توقف جنگ و بازگرداندن سربازان آمریکایی است و بنابراین تلاش می‌کند از این توافق نامه برای عنوان ابزاری برای انتخابات آتی استفاده کند. ترامپ از ابتدا مشخص کرده بود که اهمیتی به امنیت و دولت-ملت سازی در افغانستان نمی‌دهد و توافقنامه کنونی نیز بیشتر ابزار سیاسی است.

## نقشه مناطق تحت کنترل طالبان در افغانستان



<https://www.cfr.org/backgrounder/us-taliban-peace-deal-agreement-afghanistan-war>

در بحث منطقه‌ای نیز چشم انداز صلح تصویر شده از طریق این توافقنامه چشم انداز چندان باثباتی نیست و در آینده ممکن است چالش‌های زیادی را ایجاد کند. یکی از دلایل این امر نادیده گرفتن ملاحظات سایر بازیگران منطقه‌ای در این توافقنامه است. این درحالی است که هرگونه چشم اندازی برای ترتیبات سیاسی و امنیتی منطقه باید از طریق همکاری چند جانبه صورت بگیرد. به عنوان مثال بسیاری از تحلیل‌گران عقیده دارند که همکاری کشوری مانند ایران در موضوع افغانستان امری اجتناب ناپذیر است و هرگونه راه حل سیاسی بدون حضور این بازیگر امکان پذیر نیست. پاکستان نیز از دیگر کشورهای حائز اهمیت است. طالبان در دهه ۱۹۹۰ پس از خروج اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان در پاکستان شکل گرفت. بسیاری از مبارزان اصلی آن پشتون‌ها بودند که در مدارس پاکستان تحصیل می‌کردند. پس از حمله ایالات متحده، پاکستان به پناهگاه‌های امن طالبان تبدیل شد و تا سال‌ها تصور می‌شد کنترل طالبان را در اختیار دارد کارشناسان می‌گویند که پاکستان اکنون خواستار یک دولت افغانستان است که شامل طالبان بوده و نسبت به اسلام آباد دوستانه تر از دهلی نو باشد.

موضوع دیگر پیامدهای این توافق بر نقش آفرینی سایر گروه‌های افراطی اسلامی از جمله داعش و القاعده است که ممکن است تلاش‌های منطقه‌ای برای مبارزه با این گروه‌ها را دشوار سازد. چنین نگرانی‌هایی را حتی می‌توان از گفته‌های مقامات ایالات متحده نیز استنتاج کرد. به عنوان مثال بعد از امضای توافقنامه بین ایالات متحده آمریکا و طالبان

جان بولتون مشاور امنیت ملی سابق آمریکا در توثیقی اظهار داشت که مشروعیت بخشیدن به طالبان نشانه‌های غلطی را به داعش و القاعده می‌فرستد. سناتور لیندزی گراهام نیز بعد از این توافق با انتقاد از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان عنوان کرد که "بیاپید در افغانستان کاری را انجام ندهیم که اوپاما در عراق انجام داد. ما فرصتی برای پایان دادن به این جنگ به صورت هوشمندانه و خوب به دست آوردیم، اما ما به حضور نیروی‌های آمریکایی نیاز داریم، این حضور برای اقدامات ضد تروریستی برای سال‌های آینده است چرا که من به نظارت طالبان بر القاعده و داعش اعتماد ندارم." بنابراین این توافقنامه می‌تواند خواسته و یا ناخواسته به تقویت گروه‌های رادیکال منجر شود. به عنوان مثال آن دسته از اعضای طالبان که از امضای توافقنامه با ایالات متحده آمریکا خشنود نیستند ممکن است به عضویت هر یک از این گروه‌ها در بیایند. گزارش‌های غیر رسمی نیز حاکی از چنین امری است. به عنوان مثال یکی از فرماندهان داعش در افغانستان اظهار داشته است که شما می‌بینید که با این توافق خلافت گسترش می‌یابد. مبارزان طالبان قول داده اند که به ما محق شوند. ما تا زمانی که خلافت را در سراسر جهان پیاده نکنیم متوقف نخواهیم شد.

## منابع

صلح‌سازی در افغانستان؛ بایسته‌ها و ساختارها، قابل دسترسی در سایت شورای روابط خارجی به آدرس  
<https://www.scfr.ir/fa/400/116161/%>

Akbarzadeh, S., Ibrahimi, N. (2019). The Taliban: a new proxy for Iran in Afghanistan? *Third World Quarterly*, 1-19.

Ibrahimi, S. Y. (2017). The Taliban's Islamic Emirate of Afghanistan (1996–2001): 'War-Making and State-Making' as an Insurgency Strategy. *Small Wars & Insurgencies*, 28(6), 947-972.

Dobbins, J., Campbell, J. H., Miller, L. E., & Zimmerman, S. R. (2020). DDR in Afghanistan: Disarming, Demobilizing, and Reintegrating Afghan Combatants in Accordance with a Peace Agreement.

Dadouch, S. George S. Lamothe. D, (2020), U.S. signs peace deal with Taliban agreeing to full withdrawal of American troops from Afghanistan, available at: [https://www.washingtonpost.com/world/asia\\_pacific/afghanistan-us-taliban-peace-deal-signing/2020/02/29/b952fb04-5a67-11ea-8efd-0f904bdd8057\\_story.html](https://www.washingtonpost.com/world/asia_pacific/afghanistan-us-taliban-peace-deal-signing/2020/02/29/b952fb04-5a67-11ea-8efd-0f904bdd8057_story.html).

Dadouch, S. Lamothe. D, (2020), Afghan government objects to elements of U.S.-Taliban peace deal, available at: [https://www.washingtonpost.com/world/asia\\_pacific/afghan-government-questions-aspects-of-us-taliban-peace-deal/2020/03/01/0a973228-5a68-11ea-8efd-0f904bdd8057\\_story.html](https://www.washingtonpost.com/world/asia_pacific/afghan-government-questions-aspects-of-us-taliban-peace-deal/2020/03/01/0a973228-5a68-11ea-8efd-0f904bdd8057_story.html)

Why a U.S.-Taliban Peace Deal Could Strengthen ISIS in Afghanistan, available at: <https://www.pbs.org/wgbh/frontline/article/why-a-u-s-taliban-peace-deal-could-strengthen-isis-in-afghanistan/> .

McIntyre.J, (2020), US Afghanistan withdrawal deal with Taliban fraught with perils and pitfalls, available at: <https://www.washingtonexaminer.com/policy/defense-national-security/us-afghanistan-withdrawal-deal-with-taliban-fraught-with-perils-and-pitfalls>.

Pakaeen.M, (2019), Iran consideration for negotiating with Taliban, available at: <https://www.scfr.ir/en/strategic-perspective/note/117864/irans-considerations-for-negotiating-with-the-taliban/>

Maizland. L. (2020), U.S.-Taliban Peace Deal: What to Know, available at: <https://www.cfr.org/backgrounder/us-taliban-peace-deal-agreement-afghanistan-war>

